

«بیت الحکمه» و تاثیر آن بر غنابخشی فرهنگ و ادب عربی در عصر اول عباسی

دکتر منوچهر نصیر پور¹، حمیده امجدی قره کوشن²

چکیده

«بیت الحکمه» (بغداد) (218-136هـ.ق) - به عنوان مهم‌ترین کتابخانه در جهان اسلام که اغلب «مأمون» معتزلی را مؤسس آن می‌دانند - در جریان نهضت ترجمه و پیشرفت دیگر علوم عربی در زمینه‌های ادبی و غیر ادبی، از جمله فلسفه، نقش موثری داشت. شاهد آن، ظهور «فارابی» شاگرد «متی بن یونس» از مترجمان «بیت الحکمه» است و فیلسوفانی مثل «کندی» و ریاضی‌دانانی چون «خوارزمی»، می‌باشد. «بیت الحکمه» مدیرانی چون «سهل بن هارون» و مترجمانی چون «ابن مقفع»، «آل حنین» و «آل نوبخت» و نحویانی مثل «قرأء» و برخی سرایندگان شعر فلسفی مانند «ابن رومی»... داشته است. بر اساس منابع موجود، این مکان تأثیری در ترجمه شعر غیر عربی به عربی نداشته است؛ اما در زمینه ادبیات مثنوی، توانست با بهره‌گیری از کتب ادب پارسی چون «کلیله و دمنه» و تألیف کتب متأثر از آن چون «ألف لیلة و لیلة» و «تُعلّة و عُفرة» «سهل بن هارون»، «عیون الحکمة»، «مأمون»، «القائف» «ابوالعلاء معری»، «فاکهة الخلفاء و مناظرة الظرفاء» «ابن عربشاه»، «الصادح و الباغم» «ابن الهبّاریه» و یکی از رسایل «اخوان الصفا» و خلق شعر تعلیمی، تأثیرات فراوانی در ادبیات عربی بر جای گذارد.

کلیدواژه‌ها: کتابخانه، بیت الحکمة، مأمون، جنبش ترجمه، شعر تعلیمی، کلیله و دمنه.

1. مربی پایه‌یک گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. dr.mn11245@yahoo.com

2. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی.

مقدمه

شکی نیست که عصر اول عباسی (218-136 ه.ق) درخشان‌ترین دوره علوم اسلامی و ادبیات عربی است. از علل مهم اهمیت این دوره می‌توان به وجود تماس جامعه عربی با ملل مختلف و فرهنگ و تمدن جدید پس از فتوحات اشاره کرد. در چنین سرزمین وسیعی، تاسیس کتابخانه‌ها و راه اندازی نهضت ترجمه، بزرگ‌ترین گام در راستای اداره بهتر امور، جذب و آشنایی با علوم ملل متمدن چون ایرانیان، یونانیان و هندوان بود. بنا به گواهی منابع، «بیت الحکمه»، «بغداد» اولین و مهم‌ترین کتابخانه و مرکز در اخذ علوم از سایر ملل بود. این مقاله با هدف شناساندن این مرکز، در صدد بررسی و یافتن تاثیر فعالیت آن برغناي فرهنگ و ادب عربی است. این مقاله مبتنی بر این محورها است: اوضاع جغرافیایی، فرهنگی، دینی، سیاسی و اقتصادی عصر عباسی، «مأمون» و انگیزه تاسیس «بیت الحکمه»، معرفی «بیت الحکمه»، «بغداد» و ذکر شخصیت‌های مهم و تاثیر «بیت الحکمه» بر علوم ادبی و غیر ادبی.

در ارتباط با موضوع این مقاله، پژوهش‌هایی انجام شده است: 1- «بیت الحکمة البغدادي و أثره في الحركة العلمية» از رمزية الأطرقيجي که در شماره 14 مجله المورخ العربي در سال (1980م) توسط وزارة الثقافة و الإرشاد در بغداد چاپ شده است (صادق، 138)، 2- «بیت الحکمة و أثرها في تطوير الفكر الإسلامي» از سليم طه تکريتي که در شماره 6 مجله الأقالام در سال (1967م) به وسیله الأمانة العامة لأتحاد المورخين العرب در بغداد چاپ شده است (همان، 159/3) «بیت الحکمة في بغداد» از سليم طه تکريتي که در شماره 4 مجله المورد به سال (1979م) توسط وزارة الثقافة و الإعلام در عراق به چاپ رسیده است (همان). به دلیل عدم دسترسی به منابع فوق، در نگارش این مقاله از دیدگاه های منابع در دسترس بهره برده شده است.

1- اوضاع جغرافیایی، فرهنگی، دینی، سیاسی و اقتصادی عصر عباسی

دولت عباسیان به عنوان وسیع‌ترین ممالک قدیمی (زیدان، 285/2) شامل سرزمین های «سند»، «خراسان»، «ماوراء النهر»، «ایران»، «عراق»، «جزیره العرب»، «شام»، «مصر»

و «مغرب» بود (ضیف، 89). لذا از نظر فرهنگی و لسانی متنوع و اهل هر مذهب و ملتی از یونانی و قبطی و کلدانی در مرکز آن (بغداد) جمع شده و این شهر را مرکز علوم و فنون دنیا قرار داده بودند (لویون، 213). مهم‌ترین فرهنگ‌های رایج آن عصر، فرهنگ ایرانی، یونانی، هندی و عربی بود (امین، 212). در نتیجه همین اختلاط، اوضاع دینی هم متنوع شد و اهل مذاهب و ادیان مختلف با امت اسلامی در آمیختند؛ در حالی که دل‌هایشان از افکار بت پرستی جاهلی تهی نبود. مانویان، دیصانیان، صابئیان، یهودیان، یعقوبیان و نسطوریان از مهم‌ترین آنها بودند (کرد علی، 18). این اختلاط دینی آثاری در پی داشت که مهم‌ترین آنها ظهور و فعالیت فرقه «معتزله»، از مهم‌ترین فرقه‌های کلامی بود. معتزلی‌ها از عقیده و ایمان اسلامی دفاع نمودند (ضیف، 133/3). «واصل بن عطا» بنیانگذار فرقه و صاحب عقیده اعتزال یا «المترله بین المترلین» (حقیقت، 285) این فرقه بزرگ و فلسفی را به کمک «عمرو بن عبید بن باب» بنیان نهاد که باعث انقلاب عظیم فکری در جوامع اسلامی گردید (همان، 287). چنان که «مأمون» خلیفه عباسی هم عقاید ایشان را پذیرفت تا جایی که سعی کرد عقاید معتزله از جمله محنًا عقیده خلق «قرآن» را عقیده رسمی دولت اعلام کند. همین امر سبب سقوط معتزلی‌ها شد (ضیف، 133/3). به نظر می‌رسد ظهور این فرقه و تمایل «مأمون» به ایشان، از علل مهم ترجمه علوم فلسفی یونان در «بیت الحکمه» باشد.

از حوادث مهم دیگر این عصر، پدیده شعوب‌یگری است که از نظر سیاسی اهمیت دارد؛ زیرا شعوبی‌گری اوج مخالفت‌های موالی ایرانی با اعراب بود. علت آن هم این بود که اعراب با چشم حقارت در موالی می‌نگریستند. با این اوضاع، موالی تصمیم گرفتند این حقارت را از میان بردارند (رفاعی، 79/1). لذا قیام ایرانیان نخست به شکل نهضت ادبی ظاهر گشت و حزب شعوبیه نقش بسیار مهمی در پیروزی ایرانیان داشت (ممتحن، 156). پس موالی ایرانی گام‌های راسخی در علم و ادب برداشتند و این سرآغاز جریان شعوبی‌گری شد و آن مذهبی است که غیر عرب را بر عرب برتری می‌دهد یا هر دو را برابر می‌داند (رفاعی، 79/1). در اغلب منابع نهضت ترجمه آمده که ایرانیان از عناصر موثر در پیشبرد این نهضت بوده‌اند. حتی برخی منابع به تاسیس «بیت الحکمه» توسط ایرانیان یا شعوبی‌ها معتقدند. (رک: گوتاس، 80؛ زیدان، 630/3؛ اقبال آشتیانی، 12؛ صفا، 48-49)

فتوحات ملل اسلامی علاوه بر آمیزش فرهنگی و دینی و سیاسی و گسترش جغرافیایی کشور منجر به افزایش درآمد در عصر «مأمون» شد (زیدان، 275/2)؛ لذا وقتی می‌گویند «مأمون» هم‌وزن هر کتابی که «حنین بن اسحاق» مترجم، ترجمه می‌کرد به او طلا می‌داد (صفا، 64/1)، پذیرفتن می‌نماید که «مأمون» را حامی بزرگ نهضت ترجمه بدانیم. گفته می‌شود بزرگ‌ترین خلفایی که به علوم توجه داشتند سه نفر بودند: «منصور»، «هارون الرشید» و «مأمون» (امین، 321). علاوه بر این، نخستین فرمانروایان مسلمان که به تاسیس کتابخانه اقدام کردند، خلفای عباسی بودند. «بیت الحکمه» (بغداد) از مهم‌ترین این کتابخانه‌هاست (زیدان، 631/3).

2 - مأمون و انگیزه‌های تاسیس بیت الحکمه

«عبد الله المأمون بن هارون الرشید» جمعه، نیمهٔ ربیع الاول سال 170 هـ.ق به دنیا آمد؛ شبی که «هارون» خلیفه شد و برادرش خلیفه «موسی» مرد (خطیب بغدادی، 183/10). مادرش «مراجل» از خانواده‌های بزرگ و با اصل و نسب ایرانی بود (رفاعی، 210/1). وی تحت تأثیر تربیت این مادر ایرانی و تربیت خاندان برمکی، مردی روشن بین، متفکر، دانش دوست و آزاده بود. و مترجمان آثار فلسفی نزد او احترام خاصی داشتند؛ لذا با توجهات او دورهٔ درخشان ترجمهٔ آثار یونانی و پهلوی و سریانی به عربی شروع شد. اما آنچه مربوط به زبان پهلوی بود بیشتر مورد توجه مأمون قرار می‌گرفت (ورزگر، 322)، «مأمون» جلسات علمی جهت مناظره و مباحثه برپا می‌کرد و آگاهی وسیعی از علوم دینی، لغوی، فلسفی و علوم اوایل داشت (ضیف، 105/3). «مأمون» بسیاری از جدلی‌ها و نظاری‌ها مثل «ابو هذیل علف» و «ابو اسحاق ابراهیم بن سیار نظام» را به همراه مخالفانشان، در یک مجلس جمع می‌کرد (همان، 106). او در ابتدای حکومتش، تحت نفوذ «فضل بن سهل» به تقلید از شاهان ساسانی به ویژه «اردشیر بن بابک» می‌پرداخت (گوتاس، 109). آموزش او، آکنده از ایدئولوژی شاهنشاهی و زرتشتی بود و حامیان او نخبگان استان «خراسان» بودند که چشم امید به احیای شاهنشاهی ساسانی داشتند. انتخاب «فضل بن سهل»، نمایندهٔ منافع و اغراض آن طبقه، به عنوان آموزگار و وزیر و

مشاور، از نشانه‌های گرایش «مأمون» به ایشان بود (همان، 171) انتخاب رنگ سبز به عنوان رنگ دولتی، که رنگ ساسانیان بود. نیز خاکی از همین گرایش است. علاوه بر اینها عهد یا اندرز منسوب به «اردشیر» نیز هست که تعالیم به کار رفته در آن بسیار شبیه به فرمان محنه «مأمون» است (همان، 173).

محنه تفتیش عقاید یا آغاز امتحان درباره مخلوق بودن «قرآن» کوشش «مأمون» بود برای به دست گرفتن دوباره زمام حکومت مرکزی و اجتناب از خطرهایی که متن اندرز «اردشیر» هشدار داده بود (همان، 175). اعتقاد او به مخلوق بودن «قرآن» چنان است که آن را در وصیت نامه خود می‌آورد: «خدای عزّ و جلّ، یگانه است و خالق و جز او مخلوق است و «قرآن» از این به دور نیست» (طبری، 5771/13).

بنابراین می‌توان گفت یکی از اهداف «مأمون» در حمایت و پیگیری نهضت ترجمه آشنایی با طرق بحث و جدل برای حفظ حکومت بوده و بهترین راه در این مسیر آشنایی با علوم فلسفی و منطقی از راه ترجمه بوده است.

3- معرفی «بیت الحکمه»ی «بغداد»

شرایط زمینه ساز عصر عباسی، وجود حامی بی چون «مأمون» معتزلی و فعالیت فرقه معتزله، منجر به ظهور و شکوفایی مرکز مهم و علمی «بیت الحکمه»، «بغداد» گردید. درباره مؤسس، زمان تأسیس و نوع فعالیت این مرکز، بین صاحب نظران مستشرق و دیگر صاحب نظران تفاوت‌هایی وجود دارد که به ذکر برخی از این تفاوت‌ها اکتفا می‌کنیم:

آلدومیه لی: «مأمون» تلاش‌های پیشینیان خود را در زمینه ترجمه با حمایت و دعوت از مترجمان ادامه داد و «بیت الحکمه» را به همراه کتابخانه و رصدخانه و... ساخت (میه لی، 177).

دلیسی اولیری: دارالعلم یا فرهنگستانی که «مأمون» به اشاره «جبرائیل بن بختیشوع» طبیب آن را ساخت و «حنین بن اسحاق» رئیس آنجا بود، کار ترجمه و رواج آثار یونانی به عربی را در میان اعراب بر عهده داشت (اولیری، 258).

کارل بروکلیمان: اوج فعالیت ترجمه، همزمان با ساخت «بیت الحکمه» در «بغداد» توسط «مأمون» بود که کتابخانه و رصدخانه هم به آن افزود (بروکلیمان، 487/2).

پول کراوس: «بیت الحکمه» ای را که «سلم» رئیس‌اش بود «مأمون» تاسیس کرد (کراوس، 113).

ماکس مایرهورف: «مأمون» قبل از سال (215 هـ.ق) مدرسه‌ای برای ترجمه در «بغداد» به نام «بیت الحکمه» با ریاست «یوحنا بن ماسویه» و مترجمی «حنین بن اسحاق» ساخت که «حنین» در زمان تجدید این مرکز توسط «متوکل» رئیس آن شد (مایرهورف، 58).

دیمیتری گوتاس: «بیت الحکمه» کتابخانه و احتمالاً دیوان اداری بود که زمان «منصور» تأسیس شد و فرهنگ ترجمه پهلوی به عربی را نهادینه کرد. در ایران ساسانی پیش از اسلام خزاینی به نام خانه‌های حکمت یا بیوت الحکمه در اداره دولت بودند که در آنها کتاب‌هایی منظوم حاوی دانش تاریخی ایرانی، گزارش جنگ‌ها و پاره‌های مختلفی از آگاهی درباره زوج‌های مشهور عشقی، برای پادشاهان ساسانی نگهداری می‌شد؛ یعنی کتاب‌هایی بودند مشتمل بر ثبت منظوم شکوه ساسانی و بر طبق ایدئولوژی زرتشتی ساسانی، هخامنشی (گوتاس، 77-78). به‌عین «بیت الحکمه» مرکزی برای ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی، دانشگاهی برای تعلیم علوم اوایل یا قدما و مرکز همایش دانشوران نبود و فقط فضا را برای ترجمه کتاب‌های یونانی آماده کرد (همان، 83-85).

شوقی ضیف: در کتابخانه بزرگ «بیت الحکمه» که بعدها «مأمون» رصدخانه مشهورش را به آن ملحق کرد به کتب ترجمه شده از فرهنگ‌های غیر عربی توجه بسیار می‌شد

(ضیف، 113/3). بدون شک «بیت الحکمه» دانشگاهی بزرگ بود (همان، 103) و چون به یک مرکز علمی بزرگی تبدیل شد، فعالیت‌های ترجمه در عصر «مأمون» به اوج خود رسید (همان، 113). این مرکز مملو از کتب فلسفی و علوم اوایل بود و در اختیار و دسترس «ابن رومی» قرار داشت (ضیف، 298/4). «ابوالعلا» نیز به اینکه «ابن رومی»، واقف به فلسفه بوده اشاره کرده است (المعری، 330). همچنین «ابن رومی» را از سراینندگان شعر فلسفی شمرده اند (ولایتی، 325/1).

جُرْجی زیدان: خلفای عباسی، نخستین کتابخانه عمومی را در «بغداد» دایر کرده و «بیت الحکمه» نامیدند. احتمالاً «هارون» مؤسس آن بود و ترجمه‌های عربی کتب طبی، علمی و تألیفات اسلامی را در آن جمع کرد و بعد «یحیی بن خالد برمکی» کتاب‌هایی به آن افزود. بعدها در زمان «مأمون» کتاب‌های یونانی، سریانی، فارسی، هندی و قبطی بر کتب عربی آن افزوده شد (زیدان، 630/3).

احمد امین: احتمالاً «هارون الرشید» هسته اولیه «بیت الحکمه» یا «خزانة الحکمه»، بزرگترین کتابخانه عصر عباسی را بنیان نهاد و «مأمون» آن را به رشد و بالندگی رساند و تقویت کرد (امین، 61/2). همه مدارک دلالت بر کتابخانه بودن آن دارد نه دانشگاه بودنش (همان، 65).

ابراهیم مدکور: مسلمانان طی سه قرن، در مؤسسه‌ای به نام «بیت الحکمه»، آثار علمی، فلسفی، ادبی و مذهبی تمدن‌های کهن را ترجمه و حفظ نمودند (مدکور، 94).

ابن ندیم: «خزانة الحکمة» یا «بیت الحکمه»، کتابخانه مشهور «بغداد»، زمان «هارون الرشید» ایجاد شد و در دوره «مأمون» توسعه یافت و مرکز تجمع دانشمندان بود (ابن ندیم، 16).

احمد فرید رفاعی: بنا به رای اکثریت «بیت الحکمه» در عهد «رشید» ساخته شد و «برامکه» در آنجا کتب هندی، فارسی و یونانی را جمع نمودند (رفاعی، 375/1).

سید محمود مرعشی نجفی: «بیت الحکمه» «بغداد» کتابخانه‌ای نیمه عمومی بود. در عهد «هارون الرشید» یا «منصور» عباسی تأسیس شد و در زمان «مأمون» به اوج خود رسید (مرعشی نجفی، 1432/4). گویا قدیمی ترین کتابخانه اسلامی می باشد که کتبش فهرست شده است (همان، 1469). برخی معتقدند که «ابن ندیم» خازن و کتابدار «بیت الحکمه» بوده و «الفهرست» وی فهرست کتب «بیت الحکمه» است. شاید این برداشت درست باشد، زیرا «الفهرست»، اطلاعاتی جامع و گسترده از شیوه کار و موجودی «بیت الحکمه» ارائه کرده است (همان، 1473). همچنین از عوامل دسترسی آسان «ابن ندیم» به منابع مورد نیازش، مراجعه او به کتابخانه «مأمون» یا «بیت الحکمه» بوده است که او را بی نیاز از ذکر نام کتابخانه‌های دیگر نموده است (ساغروانیان، 1750/4).

علی اکبر ولایتی: «بیت الحکمه»، «بغداد» به عنوان نخستین نهاد آموزشی و کتابخانه در نظام اسلامی نقش مهمی در پرورش و گسترش علوم و فنون داشت و بیشتر به فلسفه و علوم ریاضی و طبیعی می پرداخت. این مرکز با هزینه دولت اداره می شد و محل اجتماع دانشمندان و پژوهشگران و مترجمانی بود که کتاب‌های علمی و فلسفی یونانی را به عربی ترجمه کردند. اساس «بیت الحکمه» را «هارون الرشید» پایه ریزی نمود (ولایتی، 113/1). به کوشش «مأمون» پاره‌ای از اسناد و اشعار دوره جاهلیت و خطوط نامه های پیش از اسلام نیز بدان افزوده شد و در زمان «مأمون» به کانون اصلی انتقال و ترجمه علوم بشری تبدیل شد. در «بیت الحکمه» افزون بر کار ترجمه، پژوهش و مطالعه و بحث آزاد علمی رایج بود. «مأمون» برای تکمیل، رصد خانه ای به آن افزود (همان، 100).

مهم ترین افرادی که در «بیت الحکمه» حضور داشتند: «عبدالله بن مُقَفَّع» (الاعظمی 100)، «ابن ندیم» (مرعشی نجفی، 1473/4؛ گوتاس، 82)، «سهل بن هارون» (صفا، 49، مرعشی

نجفی، 1451/4)، «یحیی بن یزید فرّاء» (مرعشی نجفی 1442/4؛ امین، 65/2)، «محمد بن موسی خوارزمی» (زیدان، 631/3؛ رفاعی 375/1)، «کندی» (الاعظمی، 133؛ فانی، 117)، «ابن رومی» (ضیف، 298/4)، «احمد الطّیبی معروف به صنوبری حَلَبی» (ولایتی، 100/1؛ ضیف، 298/4؛ رفاعی، 375/1)، «یوحنا بن ماسویه» (الجروالفاخوری، 334؛ ابن ابی اصیبعه، 459/1؛ مایرهوف، 58؛ روزنتال، 72)، «آل حُنَین» (فانی، 117؛ ابن القفطی، 351؛ رفاعی 375/1؛ الاعظمی، 133؛ اقبال آشتیانی، 12؛ صفا، 49)، «آل نُوبخت» (اولیری، 358؛ مایرهوف، 58؛ مرعشی نجفی 1440/4؛ الجر و الفاخوری، 334؛ ولایتی، 100/1)، «متی بن یونس»، «یحیی بن عدی» (الاعظمی، 133)، «سلم» (مرعشی نجفی 1451/4؛ روزنتال، 72؛ فانی، 117؛ صفا، 49؛ امین، 62/2؛ گوتاس، 80؛ کراوس، 113).

از مطالب مذکور می شود نتیجه گرفت: «بیت الحکمه»، «بغداد» اولین کتابخانه نیمه عمومی و حکومتی اسلامی است که در فاصله سال های حکومت «منصور» تا «مأمون» تاسیس شد و حضور اشخاصی چون «ابن مقفع» در آن می تواند احتمال مؤسس بودن «منصور» را تقویت نماید. هر چند بیشتر منابع در درجه اول «مأمون» و بعد «هارون» را مؤسس آن می دانند.

این مرکز در ابتدا با هدف نگهداری و جمع آوری و ترجمه کتب از ملل مختلف تأسیس شد. اما فعالیت های دیگری نیز به آن اضافه شد؛ حضور «خوارزمی» و الحاق رصد خانه «مأمون» به آن تاییدی بر این مطلب است. حضور «فرّاء» نشان دهنده اهتمام این مرکز به علوم خودی (علوم نقلی) متعلق به اعراب، است. وجود «یوحنا بن ماسویه» دلیلی است بر توجه این مرکز به علوم طبّی. حضور «ابن رومی» در آن نشان دهنده علاقه او به فلسفه است. بزرگترین دلیل فلسفی بودن این مرکز حضور «کندی» در آن است. نیز اکثر منابع بیان می کنند که ایرانیان از فعالان و گردانندگان این مرکز بوده اند. این موضوع با توجه به این مطلب که این مرکز محلی جهت نگهداری منظومه های تاریخی و گرامی و جنگی ایرانیان بوده، نشانه هایی را در خصوص نقش آن در پیدایش شعر تعلیمی در ادبیات عربی به دست می دهد. با این توصیف بعید نیست که در نهضت ترجمه، محوری ترین نقش از آن «بیت الحکمه»، «بغداد» بوده باشد.

بر همین اساس دوره‌ی دوم نهضت ترجمه در عصر عباسی یعنی عصر «مامون» را، از شکوفاترین دوره‌ی های ترجمه دانسته‌اند؛ زیرا در آن دوره به همه‌ی علوم توجه شده است (خفاجی، 74).

4- تاثیر «بیت الحکمه» بر علوم غیر ادبی عرب

با عنایت به گواهی منابع، «بیت الحکمه» بیشترین تاثیرش را در شکوفایی فلسفه و کلام بین مسلمانان داشته است. «مامون» به علوم عقلی و امور علمی علاقه فراوان داشته (خفاجی، 74) و به کتاب‌های حکمت به ویژه فلسفه و منطق مایل بوده است. او گرایش معتزلی داشته و به برتری عقل و آزادی عقیده معتقد بوده است (الاعظمی، 33). اعراب اولین بار فلسفه یونان را از طریق ایرانیان و با ترجمه‌های فارسی آثار «ارسطو» شناختند. (حسین، 34). تأثیر فلسفه در فرقه معتزله بیش از دیگر فرق اسلامی بود و معتزله از آغاز نشو و نمای خود، طرق بحث و روش تفکر یونانی را در عقاید اسلامی اعمال کردند (عبدالقاهر بغدادی، 132). هر چه ترجمه در میان مسلمانان بیشتر می‌شد نفوذ افکار فلسفی در میان «معتزله» هم بیشتر می‌گردید (صفا، 158). آنان اولین طبقه متکلمین هستند (مددپور، 219) و با آن که منشأ خدمات ارزشمندی به اسلام شدند به جرم استفاده از مبانی فلسفی یونانیان و ایرانیان و هندوان، همواره مورد بغض و نفرت بودند (همان، 161). شاید همین امر علاوه بر پدیده شعوبی‌گری از علل کم توجهی به «بیت الحکمه» باشد که دروازه اصلی ورود علوم یونانی و فلسفی به جهان اسلام بود. ار شخصیت‌های مهمی که در جریان رشد علم و فلسفه به ظهور رسید، می‌توان به «کندی» اشاره کرد. «کندی»، از فلاسفه بزرگی است که از اندیشه اسلامی و فلسفه یونانی متأثر بود (الجرّ و الفاخوری، 393) و طی نهضت ترجمه با مترجمان و آثار ترجمه شده تماس مستقیم داشت (همان، 374). شخصیت دیگر «فارابی» است که شاگرد «متی بن یونس» از مترجمان «بیت الحکمه» بود. فیلسوف بعدی «یحیی بن عدی» است که شاگرد «فارابی» بود. وی نیز از مترجمان بیت الحکمه است (همان، 395).

5- تاثیر «بیت الحکمه» بر علوم ادبی عرب

نخستین نظر رایج و مقبول درباره ترجمه شعر، غیر ممکن و بی‌فایده بودن آن است (فانی، 121). با این حال نقش این مرکز را در ترجمه ادبیات از سه تمدن بزرگ آن روزگار یعنی هندی، یونانی، ایرانی بررسی می‌کنیم.

الف - ادبیات «هندی»: به دلیل دوری «هند» از ممالک اسلامی - چون «بغداد» به عنوان مرکز علوم اسلامی آن عصر - آثار اندکی از آنان در عربی راه‌افته است (امین، 290). شاید بهترین مثال آن «کلیله و دمنه» است. با آنکه اصل این کتاب هندی است آن را در تأثیرات ادب ایرانی بررسی می‌کنیم چون ایرانیان در آن تغییراتی داده‌اند (فاخوری، 337). «سندباد نامه» از دیگر کتب هندی است که از نسخه پارسی آن در عهد «انوشیروان» اخذ شده بود. از این کتاب ترجمه‌ای به عربی منتشر گردید و «ابان لاحقی» آن را به نظم عربی درآورد (روشن، مرزبان نامه، 555/2). اصل سند باد نامه را هم ایرانی و هم هندی می‌دانند (همان).

ب - ادبیات «یونانی»: مهم‌ترین شاعر یونانی «هومیروس» است. بی‌شک دیوان او در آن عصر به عربی برگردانده نشده است. گرچه طبقه خاصی از علما در «بغداد» با «ایلیداد» او آشنا بودند (البستانی، 25/1) و هندیان آن را به زبان خود ترجمه کرده بودند و نیز پادشاهان ایران «ایلیداد» را به فارسی می‌خواندند (همان، 62) و همین‌طور «ثاوفیلوس الرهاوی»، منتج «مهدی» خلیفه سوم آن را به سریانی نظم کرده بود (همان، 25).

دین اسلام، سختی فهم فرهنگ یونانی برای شخص عرب و ناتوانی شاعر عرب در به شعر درآوردن آن به زبان عربی، از مهم‌ترین علل ناشناخته ماندن «ایلیداد» نزد عرب است (همان، 63). ادب یونانی مقرون به بت پرستی، خدایان متعدد و قهرمان پرستی بود و حال آنکه ذوق اسلامی، بت پرستی و عبادت مخلوق را قبول نمی‌کرد (امین، 334-333). حتی مانع نثر شدن «ایلیداد» هم همین عامل دینی بود (البستانی، 66). همچنین ذوق اعراب «ایلیداد هومر» را نمی‌پسندد (امین، 333-334). علاوه بر اینها تکسب از راه شعر

میان اعراب مانع سرودن اشعار حماسی (فانخوری، 28) چون «ایلیادِ هومر» است؛ زیرا «ایلیاد» شعری است حماسی. بنابراین از یونانی هیچ شعر تراژدی یا کمدی به عربی برگردانده نشد (روزنتال، 29). هر چند نویسندگان عرب ادعا دارند که ادبیات حکیمانه یونانی تقریباً هیچ نفوذ و تأثیری بر شعر دوران عباسی نداشته است اما این امر به صورت مستقیم و غیر مستقیم محتمل است. نظیر این اشعار از «متنبی» در مقایسه با گفته‌هایی منسوب به «ارسطو» در جهت اثبات فرزانه‌گی یونانی در شعر عربی عصر عباسی موارد زیر قابل ذکر است:

1- «ارسطو» گوید: با هماهنگی مشرب‌ها و برابری بنیان درک‌های حسی، می‌توان اشیاء را از ضد آن تمیز داد. «متنبی» گوید: (البرقوقی، ج 83/4):
 وَمَا انْتِفَاعُ أَخِي الدُّنْيَا بِنَظَرِهِ؟ إِذَا اسْتَوَتْ عِنْدَهُ الْأَنْوَارُ وَالظُّلْمُ
 یعنی: اگر نور و ظلمت در چشم انسان بصیر یکسان است، پس او چه سود از چشمش می‌برد؟

2- «ارسطو» گوید: اگر در جریان کاری مهم نابود شدی، مانند آن است که در جریان کاری بی‌اهمیت از دست رفته باشی. «متنبی» گوید (البرقوقی، ج 245/4):
 فَطَعْمُ الْمَوْتِ فِي أَمْرِ صَغِيرٍ كَطَعْمِ الْمَوْتِ فِي أَمْرِ عَظِيمٍ
 یعنی: چشیدن طعم مرگ برای جنگاور در کار پست و کوچک همانند طعم مرگ برای امر گران است، این مبارز است که باید امور متعالی را انتخاب کند.

3- «ارسطو» گوید: او که به تو برای خودت عشق نمی‌ورزد، کسی است که از تو دور است، حتی اگر خودت باشی که از خودت دوری می‌جویی. «متنبی» گوید (البرقوقی، ج 89/4):

إِذَا تَرَحَّلْتَ عَنِ قَوْمٍ وَقَدْ قَدَرُوا أَنْ لَا تُفَارِقَهُمْ فَالرَّاحِلُونَ هُمْ
 یعنی: چون از نزد قومی کناره‌گیری و آنان بتوانند تو را راضی کنند و از ترک آنان باز دارند اما چنین نکنند، پس در حقیقت آنانند که تو را ترک می‌گویند (نه تو).

4- «ارسطو» گوید: عشقی را که از سازگاری روح‌ها باشد، ممنوع نمی‌کنیم بلکه‌گی شدن کالبدها را ممنوع می‌کنیم، چون به طبیعت حیوانی تعلق دارد. «متنبی» گوید (البرقوقی، ج 50/3):

وَمَا كُلُّ مَنْ يَهْوَى يَعِفُّ إِذَا خَلَا عَفَافِي وَ يُرْضِي الْحَبَّ وَالْحَيْلُ تَلْتَقِي
یعنی: نه هر کس که عشق ورزد چون من پاکدامن باشد، هنگامی که با معشوق خلوت کند و من فردی عقیف هستم و آنگاه که اسبان در میدان نبرد روبروی هم قرار گیرند محبوبه ام را با شجاعت خویش راضی می کنم.

ج: ادبیات «ایرانی»: شعری نیست که از فارسی به عربی نقل شده باشد (حسین، 35/2). اما کتاب‌های پند سیاسی و اجتماعی ایرانی اولین کتب ترجمه شده توسط مترجمان بود (عاکوب، 94). مهم‌ترین کتابی که از پهلوی به عربی ترجمه شد «کلیله و دمنه» بود. این کتاب از زبان حیوانات و پرندگان در تعالیم اخلاقی است (فاخوری، 349) و پندهای آن به صورت قصه پردازی از زبان حیوانات است و توسط «ابن مقفع» به عربی ترجمه شد و تأثیر مهمی در ادبیات عربی بر جای نهاد تا جایی که می توان آن را عامل مهمی در ایجاد و خلق شیوه نوینی در نظم شعر دانست و آن همان شعر تعلیمی است (عاکوب، 269). شعر تعلیمی مظهر نفوذ عقل در این عصر بوده و برای منظوم ساختن بعضی از علوم، قصص و حکایات به کار می رود تا حفظ آنها آسان تر شود (فاخوری، 278). نظم کلیله و دمنه به عربی نخستین بار به دست «عبد الحمید ابان بن لاحق» روی داد. شاید هیچ شاعری به اندازه او از پند و ادب ایرانی متأثر نشده است (عاکوب، 269). او «کلیله و دمنه» را برای «یحیی بن خالد برمکی» در 5000 (همان، 270) یا 14000 بیت به نظم کشید. بعدها «سهل بن نوبخت» و «عبدالله بن هلال اهوازی» دوباره آن را به نظم در آوردند. سپس «ابن الهبّاریه» آن را به سال 1100 م به شعر درآورد و «نتائج الفتنة في نظم كليلة و دمنة» نامید (فاخوری، 338). «ابان» کتب دیگری مثل کارنامه «اردشیر»، سیره «انوشیروان»، کتاب «مزدک» و... را نظم کرده است. مورخان معتقدند «ابان» زندگی اش را وقف منظوم کردن ادب و حکمت و سیر ملوک ایرانیان کرده است (عاکوب، 273).

«کلیله و دمنه» بعدها یکی از منابع تألیف کتاب «ألف ليلة و ليلة» گردید (امین، 229). «سهل بن هارون» نیز «ثُعلة و عُفرة» خود را در معارضه با «کلیله و دمنه» و اسلوب آن

نوشت (فاخوری، 354). «مأمون» عباسی تلخیص آن را به نام «عیون الحکمة» نوشت که خلاصه‌ای از امثال و حکمی است که در کلیله و دمنه آمده است (عظیمی، 291). هم چنین «ابوالعلاء معری» کتاب «القائف» و «ابن الهبّاریه» «الصادح و الباغم» را به تقلید از کلیله و دمنه تالیف کردند و یکی از رسایل «اخوان الصفا» به تقلید از آن نوشته شد (همان، 294).

حتی در دوره‌ی معاصر نیز، شاعری چون «احمد شوقی» بیش از 50 حکایت کوتاه و بلند برای کودکان به نظم درآورد که مضامین آنها را از مشاهیر این فن بی نظیر، صاحب «کلیله و دمنه» و «لافونتن» و ... برگرفته است و ارزش اخلاقی و اجتماعی این حکایات قابل انکار نیست و هدف آن همان هدف شعر تعلیمی است، مانند تشویق به فضایل اخلاقی، فعالیت در کار، وفاداری، صداقت و اندیشیدن در کارها پیش از انجام آنها و نکوهش رذایل بویژه حيله‌گری، تنبلی و سهل انگاری (فاخوری، 711).

«مرزبان نامه»ی ادیب توانا «سعدالدین وراوینی» دیگر اثر ادب ایرانی است که «ابن عربشاه» آن را به عربی ترجمه نمود و «فاکهة الخلفاء و مُناظرة الطُّرفاء» نامید. «مرزبان نامه» از لحاظ شیوه‌ی نثر نویسی پیرو سبک «نصرالله بن عبدالحمید منشی» مترجم «کلیله و دمنه» از هندی به فارسی در نیمه‌ی اول قرن ششم هجری است. صاحب «مرزبان نامه» در تتبع شیوه‌ی سلف خود «نصرالله منشی» توفیق یافته است (خطیب رهبر، مرزبان نامه، ص الف). طبق نظر «علامه قزوینی» گویا «مرزبان نامه» به ترکی و از ترکی به عربی توسط شیخ «شهاب الدین عربشاه» در گذشته 834 هـ، ترجمه شده و نسخه‌ی این ترجمه در سال 1277 هجری در قاهره به طبع رسیده است (خطیب رهبر، مرزبان نامه، ص ی). دکتر «حسن عاصی» در مقدمه‌ی کتاب «فاکهة الخلفاء و مُناظرة الطُّرفاء» می گوید: «اصل این کتاب از مرزبان نامه است که سپهبد «مرزبان بن شروین» از ملوک پاوند آن را به طبری نوشت و آن در اواخر قرن 4 هجری بود. فاکهه الخلفاء حدود 2 قرن بعد، پس از 2 بار ترجمه‌ی کتاب به فارسی نوشته شد (فاکهة الخلفاء، ص 6).

نتیجه گیری

1- «بیت الحکمه» در غنای فرهنگ عربی و پیشرفت فلسفه و طب و... تأثیر مهم و بلکه محوری داشته است. با این حال احتمالاً به دلایل شعوبی‌گری، اشتغال این مرکز به فلسفه و انتساب این مکان به «مأمون» که نزد شیعه محبوبیت ندارد، کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده و ناشناخته مانده است.

2- «بیت الحکمه» مترجمانی چون «ابن مُقَفَّع»، «آل نوبخت» و «آل حُئین»، و مدیران لایقی چون «سهل بن هارون» داشته است. حضور «کندی» در آن نشان دهنده پژوهش‌های فلسفی است که به پیشرفت فلسفه و ظهور «فارابی» شاگرد «متی بن یونس» منجر شده است. همچنین افرادی چون «خوارزمی»، «فراء»، «ابن رومی» و... در آن حضور داشته اند.

3- این مکان تأثیری در ترجمه شعر غیر عربی به عربی و در زمینه ادبیات منظوم نداشته است؛ اما در باب ادبیات منثور توانسته است با اخذ کتب ادب پارسی تأثیرات عظیمی را در ادبیات عربی بر جای نهد. به ویژه با ایجاد شعر تعلیمی اولین بار به دست «ابان لاحقی» از طریق منظوم کردن «کلیله و دمنه» در ادبیات عربی و همچنین از طریق تألیف کتب ادبی دیگری تحت تأثیر «کلیله و دمنه» چون: «ألف لیلة و لیلة»، «تُعلّة و عُفّرة» از «سهل بن هارون»، «عُیون الحکمة» از «مأمون»، «القائف» از «ابوالعلاء»، «الصادح و الباعم» از «ابن الهبّاریه» و یکی از رسایل «إخوان الصفا»، یا تحت تأثیر «مرزبان نامه» چون: «فاکّهة الخلفاء و مُناظرة الطرفاء» ی «ابن عربشاه»، موثر بوده است.

4- احتمالاً «بیت الحکمه» در نشر آراء فلسفی بین ادبای عصر عباسی موثر بوده است.

منابع و مأخذ

- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، چاپ سوم، ج 1، 1362 ش.
- ابن ابی أصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الأطباء، ترجمه سید جعفر غضبان و محمود نجم آبادی، تهران، دانشگاه تهران، ج 1، 1349.
- ابن القفطی، تاریخ الحکماء، ترجمه بهین دارایی، تهران، دانشگاه تهران، 1348 ش.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران، اساطیر، چاپ اول، 1381 ش.
- الجری، خلیل و الفاخوری، حنا، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، 1367 ش.
- العاکوب، عیسی، تأثیر پند پارسی بر ادب عربی، ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، 1374 ش.
- الفاخوری، حنا، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، توس، چاپ ششم، 1383 ش.
- امین، احمد، پرتو اسلام (ضحی الاسلام)، خلیلی اقدم، عباس، تهران، شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکا، چاپ دوم، 1336 ش.
- اولیری، دلیمی، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، 1374 ش.
- حقیقت، عبدالرفیع، تاریخ جنبش های مذهبی در ایران، تهران، کومش، چاپ اول، 1375 ش.
- خفاجی، محمد عبدالمنعم، ادبیات عرب دوره اول عباسی، ترجمه زهرا عمرانی، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، چاپ اول، 1383 ش.
- روزنتال، فرانتز، میراث کلاسیک اسلام، ترجمه علیرضا پلاسید، تهران، طهوری، چاپ اول، 1385 ش.
- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ج 2 و 3، 1373 ش.
- صادقی، مصطفی، فهرس المقالات التاریخیه، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، 1380 ش.
- صفا، ذبیح اله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم هجری، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ج 1، 1374 ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، اساطیر، ج 13، 1364 ش.
- عبدالقاهر بغدادی، ابومنصور، تاریخ مذاهب اسلام (الفرق بین الفرق)، ترجمه محمد جواد مشکور، تبریز، کتابفروشی حقیقت، 1333 ش.
- عطیمی، عباسعلی، شرح حال و آثار ابن مقفع، تهران، فرخی، بی تاریخ.

- گوتاس، دیمیتری، تفکر یونانی فرهنگ عربی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، 1381 ش.
- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی، چاپ چهارم، 1334 ش.
- مددیپور، محمد، حکمت دینی و یونان زدگی در عالم اسلامی از آغاز تا عصر ابن خلدون، تهران، مرکز مطالعات شرقی فرهنگ و هنر، 1374 ش.
- ممتحن، حسینعلی، نهضت شعوبیه جنبش ملی ایرانیان در برابر خلافت اموی و عباسی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول، 1385.
- میه لی، آلدو، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، ترجمه محمد شجاع رضوی و اسدالله علوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، 1379 ش.
- ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، وزارت امور خارجه، چاپ چهارم، ج 1، 1384 ش.
- وراوینی، سعدالدین، مرزبان نامه، تصحیح محمد روشن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- وراوینی، سعدالدین، مرزبان نامه، تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی علی شاه، چاپخانه مروی، چاپ ششم، 1375 ش.
- ابن عربشاه، فاکهة الخلفاء و مُفاکهة الظرفاء، تحقیق و تقدم د. حسن عاصی، بیروت، دار المواسم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ / ۱۹۹۵ م.
- الاعظمی، اورنگ زیب، حركة الترجمة في العصر العباسي، بیروت، دارالحرف العربي، چاپ اول، ۲۰۰۵ م.
- امین، احمد، ضحی الاسلام، بیروت، دارالکتب العربي، چاپ دهم، ج ۲، بی تاریخ.
- البرقوقي، عبدالرحمن، شرح دیوان المتنبي، بیروت، دارالکتب العربي، ۱۴۰۷ هـ / ۱۹۸۶ م.
- بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربي، مصر، المنظمة العربية للتربية و الثقافة و العلوم، ج ۲، بی تاریخ.
- البستاني، سليمان، الیاذة هومیروس، ج ۱، ۱۹۹۴ م.
- حسین، طه، من تاریخ الادب العربي العصر العباسي الاول، بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۲، ۱۹۸۲ م.
- خطیب بغدادی، حافظ، تاریخ بغداد أو مدينة السلام، قاهرة، مكتبة الخانجي، چاپ اول، ج ۱۰، ۱۹۳۱ م.
- رفاعي، احمد فرید، عصر المأمون، قاهرة، دارالکتب المصرية، چاپ چهارم، ج ۳۱، ۱۹۲۸ م.
- ضیف، شوقی، تاریخ الادب العربي العصر العباسي الثاني، قاهرة، دار المعارف، ج ۴، بدون تاریخ.
- كرد علی، محمد، الاسلام و الحضارة العربية، قاهرة، لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ج ۲، ۱۹۳۶ م.
- المعري، ابوالعلاء، رسالة الغفران، بیروت، دارصادر، بدون تاریخ.
- ساغروانیان، سیدجلیل، «پژوهشی در مآخذ الفهرست ابن ندیم»، از مجموعه مقالات کنگره بین المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، تنظیم محمد فرحزاد، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول، ج 4، 1383 ش.

- فانی، کامران، «بیت الحکمه و دارالترجمه»، از برگزیده مقاله‌های نشر دانش 3 درباره ترجمه، زیر نظر نصراله پورجوادی، مرکز نشر دانشگاهی، 1376ش.
- مدکور، ابراهیم، «نهضت ترجمه در جهان اسلام»، از برگزیده مقاله‌های نشر دانش 3 درباره ترجمه، زیر نظر نصراله پورجوادی، ترجمه اسماعیل سعادت، مرکز نشر دانشگاهی، 1376ش.
- مرعشی نجفی، سید محمود، «نظام کتابداری اسلامی در سده‌های سوم تا هشتم ه.ق.» از مجموعه مقالات کنگره بین المللی کتاب و کتابخانه در تمدن اسلامی، تنظیم محمدفرحزاد، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ج 4، 1383ش.
- ورزگر، مینو، «سیر و تحول ترجمه در ایران از دوران کهن تا عصر مغول»، از مجموعه مقالات دومین کنفرانس بررسی مسایل ترجمه، به کوشش عباسعلی رضایی و کاظم لطفی پور ساعدی، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول، 1373ش.
- کراوس، پول، التراجم الارسططالية المنسوبة إلى ابن المقفع، از التراث اليوناني في الحضارة الاسلامية، جمع آوری عبدالرحمن بدوي، قاهرة، دارالنهضة العربية، الطبعة الثالثة، ۱۹۶۵م.
- مایهوف، ماکس، من الاسكندرية الى بغداد، از التراث اليوناني في الحضارة الاسلامية، جمع آوری عبدالرحمن بدوي، قاهرة، دارالنهضة العربية، الطبعة الثالثة، ۱۹۶۵م.

بيت الحكمة و تأثيره في تطور الثقافة العربية و أدها في العصر العباسي الأوّل

الدكتور منوچهر نصيرپور

معيد جامعة آزاد الاسلاميه بتريز في قسم اللغة العربية و آداها

حميده امجدى قره كوشن

ماجستير في اللغة العربية و آداها

الملخص

لبيت الحكمة مكانة ممتازة و خاصة في حركة الترجمة في العهد العباسي. الراجح أنّ «المأمون» هو مؤسسه. نشأته أدت إلى تطوّر الفلسفة و الكلام بين العرب. مؤيد هذا الأمر ظهور «الفارابي» الذي تلمذ على «متى بن يونس» أحد مترجمي بيت الحكمة و أيضاً ظهور الفيلسوف «بيحي بن عدي»، تلميذ «الفارابي». كان «بيحي» من مترجمي بيت الحكمة أيضاً. من أعلام هذا المعهد و ذوي الأثر البارز الذين حضروا فيه من مختلف العلوم نستطيع أن نشير إلى «الكندي» من النابغين في الفلسفة، و«الخوارزمي» الرياضي و «الفراء» النحويّ و «ابن الرومي» الشاعر الفلسفي و «سهل بن هارون» رئيس بيت الحكمة لحقبة من الزمن، و من المترجمين نشير إلى «ابن المقفع» و «آل حنين» و «آل نوبخت» و .. .

ليس لبيت الحكمة أثر في نقل الشعر غير العربي إلى الشعر العربي. الراجح أنّ له أثراً في الشعر التعليمي، حين نظم «عبد الحميد أبان اللاهقي» كليلة و دمنة مأخوذاً من الادب الايراني. أمّا في باب الأدب المنثور فانحصرت نشاطاته ضمن نطاقه و استطاع أن يوترّ تأثيراً كبيراً في الأدب العربي و ثقافته بأخذ كتب الأدب الايراني لاسيما «كليلة و دمنة» و تأليف الكتب المتأثرة منه كـ «ألف ليلة و ليلة»، «تُعلة و عُفرة» لسهل بن هارون، «فاكهة الخلفاء و مناظرة الظرفاء» لابن عربشاه، «الصادح و الباغم» لابن القَبَّارية، «القائف» لأبي العلاء المعري، «عيون الحكمة» للمأمون و إحدى «رسائل اخوان الصفا» اخوان الصفا و

المفردات الرئيسية: المكتبات الإسلامية، بيت الحكمة، المأمون، حركة الترجمة، كليلة و دمنة

